



در این شماره می‌خوانیم:

چله نشینی قائم آل محمد علیه السلام
انتظار، امتحانی بزرگ برای مؤمنین
منجی وعده داده شده در آخرالزمان، عیسی یا ... ؟
عهدنامه ماندگار مالک اشتر
آیا فهم بن باز در خصوص تکامل درست است؟
اسرار موجود در روایات ظهور
پرسشی از اهل سنت

ای خردمندان متوجه باشید!



سید احمد الحسن (ع)، کتاب «جهاد درب بهشت است»

همواره چنین بوده است که خداوند سبحان و متعال دینش و دعوت به سوی خود را خالی از هر گونه فریب‌های دنیوی یا سلطه‌گرایانه می‌کند تا آن کس که شایستگی دارد در دینش وارد و در راهش مجاهدت نماید؛ در حالی که او چیزی جز خداوند و جز وجه خداوند نمی‌خواهد؛ و این چنین، همواره بهشت با سختی‌ها و گرفتاری‌ها، و آتش با شهوات احاطه شده است، و دین حق خداوند با شهوات به دست نمی‌آید، بلکه با سختی‌ها و دشواری‌ها حاصل می‌شود؛ پس ای خردمندان! متوجه باشید...

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «حق، سنگینی تلخ، و باطل، سبکی شیرین است.» (مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۹۴)

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳..... چله نشینی قائم آل محمد علیهم السلام
- ۴..... انتظار، امتحانی بزرگ برای مؤمنین
- ۶..... منجی وعده داده شده در آخر الزمان، عیسی یا؟
- ۹..... عهدنامه ماندگار مالک اشتر
- ۱۱..... آیا فهم بن باز در خصوص تکامل درست است؟
- ۱۴..... اسرار موجود در روایات ظهور
- ۱۶..... سوی خدا می خواند
- ۱۷..... پرسشی از اهل سنت



هفته نامه زمان ظهور

هفته نامه زمان ظهور، شماره ۸۵، شنبه ۷ تیر
۱۳۹۹، ۵ ذوالقعدة ۱۴۴۱، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۰
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

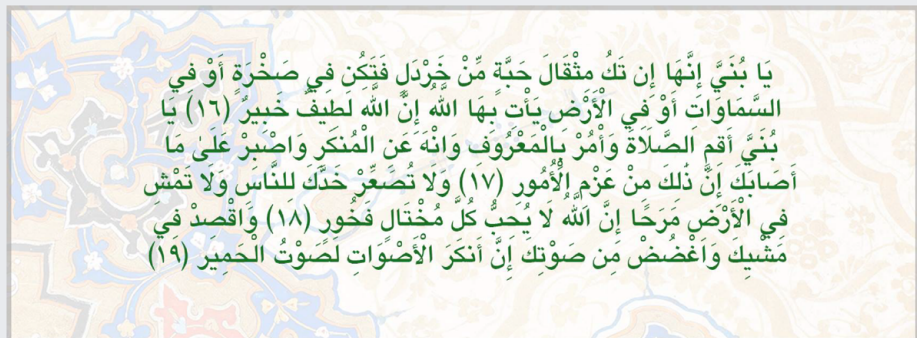
زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله
الطاهرين

چله نشینی قائم آل محمد علیه السلام



Ahmed Alhasan احمد الحسن
@Ahmed.Alhasan.10313



امام احمد الحسن علیه السلام در پاسخ به یکی از کامنت های خودشان، درباره روزه روح چنین فرمودند:



قیس الانصاری
2017

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. حبیبی، قائم آل محمد علیه السلام، درود خداوند بر شما. آقای من! یک نوع روزه روح وجود دارد که انسان، از غذایی که از [حیوانات] روح دار درست می شود، امتناع می ورزد؛ مانند گوشت و ماهی و... آیا این عمل «روزه روح» مستحب یا سنتی از اهل بیت علیهم السلام است؟



Ahmed Alhasan احمد الحسن
10 July 2017

وعلیکم السلام ورحمة الله وبرکاته عزیز من! درود خداوند بر شما. بشخصه، هرساله در طول ماه ذی قعدة و ۹ روز اول ذی حجة از تناول حیوانات و فرآورده های حیوانی امتناع می ورزم؛ به علاوه در ۹ روز اول ذی حجة روزه معمولی شناخته شده را هم به این روزه می افزایم. ولی این مسئله واجب نیست؛ بلکه برای انسان و ارتقای او و تندرستی بدنش مفید است.

(بریدالصفحه (پیک صفحه)، ص ۴۹۰)

سید احمد الحسن علیه السلام:

ای مؤمنان، از خداوندی که بر همه چیز قادر و تواناست بترسید و از کسی که بر هیچ چیزی قادر و توانا نیست نترسید. خطبه حج

انتظار، امتحانی بزرگ برای مؤمنین

داریم. فرمود: درخواست شما چیست؟ گفتند: نفرین علیه قومت را به تأخیر بینداز؛ زیرا این اولین انتقام الهی بر این زمین است. فرمود: دعا علیه آن‌ها را سیصد سال دیگر به تأخیر انداختم.

به‌سوی قومش بازگشت و کاری را که قبلاً انجام می‌داد از سر گرفت و آن‌ها نیز همان کاری را با او کردند که در گذشته انجام می‌دادند تا اینکه سیصد سال به اتمام رسید و او از ایمان آوردن آن‌ها ناامید شد. در بین روز برای دعا نشست که در این هنگام دسته‌ای از فرشتگان از آسمان ششم نزد او آمدند. آن‌ها سه مَلک بودند، بر او سلام کردند و عرض کردند: ما گروهی از آسمان ششم هستیم که صبح زود خارج شدیم و پس از برآمدن خورشید به نزد تو آمدیم؛ و بعد همان درخواستی را که گروه آسمان هفتم داشتند تکرار کردند. او نیز همان گونه که خواسته قبلی‌ها را اجابت فرموده بود خواسته اینان را نیز اجابت فرمود.

نوح علیه السلام به‌سوی قومش بازگشت و دعوتش را از سر گرفت؛ اما دعوت او جز گریختن آن‌ها از حق نیفزود؛ تا اینکه سیصد سال دیگر نیز سپری شد و نهصد سال به پایان رسید. شیعیانش (جمع اندکی که به او ایمان آورده بودند) نزد او آمدند، از رنج‌هایی که از سوی

که فشار شدیدی به پیروانش وارد شد. نوح علیه السلام را به‌سختی کتک می‌زدند، تا حدی که گاهی سه روز بی‌هوش می‌افتاد و خون از گوش‌هایش جاری می‌شد و پس از مدتی به هوش می‌آمد. اوضاع تا سیصد سال پس از بعثت وی بر همین منوال بود. او در این مدت آن‌ها را شبانه‌روز دعوت می‌کرد؛ ولی آن‌ها از او فرار می‌کردند. آن‌ها را مخفیانه دعوت می‌کرد؛ ولی پاسخش را نمی‌دادند و آشکارا آن‌ها را فرامی‌خواند؛ ولی از او روی برمی‌تافتند. پس از سیصد سال آن حضرت علیه السلام بر آن شد تا آن‌ها را نفرین کند. پس از نماز صبح نشست تا دعا کند که عده‌ای از ملائکه - که سه تا بودند - از آسمان هفتم آمدند، به او سلام کردند و گفتند: ای پیامبر خدا! ما درخواستی

روشن است که شیعیان نوح علیه السلام به ظهور او وعده داده شده بودند و او علیه السلام همان قائمی بود که آن‌ها را از ظلم و ستم نجات می‌داد و این وعده را پیامبر خدا ادریس داده بود؛ اما بنگریم هنگامی که نوح علیه السلام ظهور کرد آیا قومش او را تصدیق کردند یا تکذیب؟ و به عبارت دیگر آیا در انتظار پیروز شدند یا شکست خوردند؟

نگارنده کتاب الزام‌الناصب به نقل از کتاب اکمال‌الدین شیخ صدوق (ره) - ماجرای او با قومش را در زمان بعثتش برای ما چنین بازگو می‌کند:

«وقتی خداوند، نبوت نوح علیه السلام را آشکار کرد و شیعیانش به گشایش و فرج یقین کردند، بلاها شدت یافت و آن تصمیم بزرگ گرفته شد. کار به جایی رسید



سید احمد الحسن علیه السلام:

شما در این دنیا رهگذر هستید و هر رهگذری را ناگزیر از مقصد و پایانی است.

خطبه حج

طوفان پنجاه سال فاصله بود.» [۱]
نوح علیه السلام کشتی را می ساخت و هرگاه گروهی از کنار او می گذشتند او را به باد تمسخر و استهزا می گرفتند و او به آنان می فرمود: «إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ * فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ» [۲] «اگر ما را مسخره می کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد * به زودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش خواهد آمد و بر او عذابی پایدار فرود می آید؟»؛ و طوفان آمد و تکذیب کنندگان را غرق کرد و آن ها در انتظار، شکست خوردند.

آن ها در شناخت پیامبر موعودشان موفق نشدند و تنها دارندگان قلب ها و بصیرت ها در این انتظار موفق شدند؛ کسانی که اندک عده ای مستضعف بودند و آن گونه که در کتاب های تاریخ آمده است هشتاد نفر بودند.

شیخ ناظم عقیلی، کتاب شکست منتظران، ص ۱۴

۱. الزام الناصب، ص ۲۴۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ص ۱۶۴.
۲. هود، ۳۸ و ۳۹.

درخواست کرد و خدا به او وحی فرمود: به آن ها بگو این خرماها را بخورند و دانه ها را بکارند، وقتی میوه داد فرج شما حاصل خواهد شد. وقتی آن ها گمان کردند که خُلف وعده شده یک سومشان مرتد شدند (از ایمان به نوح بازگشتند) و دو سومشان ثابت ماندند. آن ها خرماها را خوردند و دانه ها را کاشتند تا اینکه میوه داد و میوه ها را نزد نوح آوردند و به او خبر دادند و از او خواستند وعده اش را عملی سازد. او نیز در این خصوص از خداوند عزوجل درخواست کرد و خدا به او وحی فرمود: به ایشان بگو این خرماها را بخورند و دانه هایش را بکارند؛ در نتیجه یک سوم دیگر از آن ها مرتد شدند و یک سوم باقی ماندند و باز خرما را خوردند و دانه ها را کاشتند و زمانی که میوه داد آن ها را نزد نوح علیه السلام آوردند و به او گفتند: از ما به جز عده ای اندک باقی نمانده است و بیم داریم که با تأخیر افتادن فرج، در خطر باشیم و هلاک شویم.

نوح علیه السلام نیز نماز خواند و گفت: پروردگارا! از یاران من جز همین گروه اندک کسی باقی نمانده و من می ترسم اگر فرج ایشان به تأخیر افتد هلاک شوند. خداوند (عزوجل) وحی فرمود: دعایت را اجابت کردم؛ اکنون کشتی را بساز. بین اجابت دعای نوح علیه السلام و

عامه مردم و طاغوت ها به آن ها می رسید به او شکایت کردند و از او خواستند برای فرج و گشایش دعا کند. او نیز این درخواست را اجابت کرد، نماز خواند و دعا کرد. جبرئیل علیه السلام پایین آمد و به او گفت: خداوند تبارک و تعالی دعای تو را اجابت فرمود. به شیعیانت بگو خرما بخورند و دانه هایش را بکارند و از آن مراقبت کنند تا میوه بدهد. وقتی میوه داد، برایشان گشایش خواهد شد؛ یعنی عذاب بر کافران نازل خواهد شد. نوح علیه السلام خدا را حمد و ثنا گفت و این خبر را به پیروانش رساند و ایشان شادمان شدند و به یکدیگر بشارت می دادند؛ خرما خوردند، دانه ها را کاشتند و مراقبت کردند تا میوه داد؛ سپس با خرماها نزد نوح آمدند و از او خواستند وعده اش را عملی کند.



نوح نیز این امر را از خداوند

سید احمد الحسن علیه السلام:

بر حذر باشید که مقصد و پایان کار شما آتش نباشد و تلاش کنید که عاقبت کار شما ورود به بهشت باشد. خطبه حج

منجی وعده داده شده در آخرالزمان، عیسی یا...؟

فرستادگان خدا گوش فراداده و از آن اطاعت کنیم تا نجات یابیم.

اما حال که در این رابطه توضیح مختصری بیان شد، به پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت که آیا عیسی، همان منجی و نجات‌دهنده در آخرالزمان است؟!

بدون شک یکی از بخش‌هایی که در ارتباط با منجی در آخرالزمان است، اشعیا، باب یازدهم است؛ در این باب می‌خوانیم:

«۱ و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. ۲ و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. ۵ و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت. ۶ و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آن‌ها را خواهد راند. ۷ و گاو با خرس خواهد

گمان می‌کنیم پس از مقالاتی که طی هفته‌های پیشین ارائه شد، اینک زمان آن رسیده است که فصل جدیدی را در ارتباط با منجی شروع کنیم.

شاید همه ما این نکته را از خلال کلام مسیحیان دریافت کرده باشیم که آنان اعتقاد دارند منجی وعده داده شده در کتاب مقدس، عیسی است و نه شخص دیگری؛ اما اینکه عیسی نجات‌دهنده است، مطلبی است که ما منکر آن نیستیم؛ بلکه معتقدیم تمامی انبیای خدا نجات‌دهنده قوم بودند؛ یعنی هرکه آنان را پذیرفت و کلامشان را اطاعت کرد، رستگار شد و هرکه آنان را تکذیب کرد سرانجامش جهنم شد؛ چنانکه کسانی که با موسی دشمنی کردند، غضب خداوند بر آنان واقع شد. (ر.ک. اعداد، باب ۱۶).



بنابراین شرط این است که به کلام تمامی

سید احمد الحسن علیه السلام:

به میزان اخلاص انسان آنچه بر او می‌گذرد، از هوای نفس، دنیا و شیطان پاک می‌شود. تفسیر قرآن یمانی آل محمد، عیسی مزرعاوی، ص ۵۹۷

آنچه این متن به تصویر می‌کشد در زمان عیسی (ع) محقق نمی‌شود؛ اینکه زمین از شناخت پروردگار پر می‌شود؛ همان طور که از آب دریاها پر شده است. این شناخت باید تأثیری بر جای بگذارد؛ مثل اینکه ثروتمندان به فقیران کمک می‌کنند و نیرومند ضعیف را یاری می‌دهد و به‌زودی زمین از ستم خالی می‌شود و... .



تقریباً تمامی محتوای متن از عیسی (ع) و دعوت ایشان به‌طور کامل به دور است. آیا به‌عنوان مثال عیسی، رانده‌شدگان اسرائیل (از نظر اینان یعقوب) را گرد آورده است؟؟ و آیا پراکندگان یهودا (از نظر آن‌ها، فرزندان یعقوب) را از جای‌جای جهان گرد آورده

چرید و بچه‌های آن‌ها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو کاه خواهد خورد. ۸ و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده دست خود را بر خانه‌ی افعی خواهد گذاشت. ۹ و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود؛ مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشاند. ۱۰ و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود. ۱۱ و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند باز آورد. ۱۲ و به جهت امت‌ها علمی برافراشته، رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد.»

اما آیا عیسی مصداق این شخصیت است؟! احمدالحسن با دلایل متعددی که از آیات ارائه فرمود، ثابت کرده است که عیسی نمی‌تواند مصداق «شاخه» باشد. ایشان می‌فرماید:

«این در حالی است که عیسی (ع) حکومت نکرد و بین مردم قضاوت نکرد؛ بنابراین ایشان (ع) امکان برپاداشتن عدالت یا انصاف برای مظلومان و ستم‌دیدگان را به دست نیاورد؛ پس چطور متن بالا بر او منطبق می‌شود؟!»

سیداحمدالحسن علیه السلام:

در فطرت تمام انسان‌ها قابلیت برخورداری از عصمت به ودیعه گذاشته شده است.

سفر موسی به مجمع‌البحرین، ص ۶۹

بنابراین عیسی نمی‌تواند آن منجی وعده‌داده‌شده در آخرالزمان باشد و حتی اگر ویژگی‌های منجی در عهد جدید و قدیم را در کنار یکدیگر قرار دهیم متوجه خواهیم شد که صفات آن منجی، نمی‌تواند بر عیسی منطبق باشد و اگر خدا بخواهد، طی مقالاتی که در هفته‌های آینده آن را منتشر خواهیم کرد، این حقیقت را به برکت خدا نشان خواهیم داد.

حال، از آنجا که می‌دانیم امروز در زمان‌های آخر به سر می‌بریم؛ پس باید این پرسش را از خود بپرسیم که او کیست؟ آیا او آمده است و به نصوصی که در رابطه با خودش است، احتجاج کرده است؟!

پاسخ این پرسش مثبت است؛ بله او امروز در بین ماست و به نصوصی که در رابطه با خود در کتاب مقدس آمده است، احتجاج کرده است؛ همان طور که بر طبق انجیل، یحیی خود را از طریق نصی که در اشعیا وجود داشت معرفی کرد و همچنان که عیسی نیز چنین کرد؛ او دقیقاً با همان راه ثابت شناخت فرستادگان خدا آمده است و خدا نیز حقانیت او را از طریق رؤیا و معجزه و ... نشان داده و می‌دهد. او احمدالحسن، متولد بصره، در کشور عراق است.

به امید خدا، در هفته‌های آتی در رابطه با دلایل حقانیت او و تأکیداتی که به او اشاره دارند، نکات بسیاری را ارائه خواهیم کرد.

است؟؟ اگر بگویند: آنان را گرد آورده و با ایمان به او، آن‌ها را ضمیمه کرده است، این نیز صحیح نیست؛ چراکه دعوت عیسی (ع) تا هنگام بالابردن ایشان، از محدوده شهرهای اندکی تجاوز نکرده بود. این در حالی است که متن می‌گوید: این شخص، پراکندگان یهود را از گوشه‌وکنار زمین گرد می‌آورد؛ به عبارت دیگر معنای متن چنین است: در زمان برانگیخته‌شدن این شخص، مردم بسیاری تقریباً از تمامی دولت‌های عالم و به خصوص از سرزمین‌های دوردست نسبت به مکان برانگیخته‌شدن او (گوشه‌وکنار زمین) به او ایمان می‌آورند.» (سیزدهمین حواری)



امام صادق علیه السلام :

... ما همان طور که کودکانمان را به نماز دستور می‌دهیم، آنان را به تسبیح فاطمه علیها السلام دستور می‌دهیم؛ ملازم آن باش... ثواب الأعمال شیخ صدوق، ص ۱۶۳

تشویق و ترغیب احمد الحسن (ع) به تدبر و تفکر عمیق در خصوص

عهدنامه ماندگار مالک اشتر

پاره‌هایی از عهدنامه ماندگار، به قلم شهید شیخ انمار حمزه

سپس سه مرتبه فریاد زد: (بهشت... بهشت... بهشت) و به رحمت الهی پیوست؛ در حالی که در خون خود غلتیده بود و این رفتار، شباهت بسیاری به رفتار مسلم بن عوسجه یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام داشت؛ آنجا که در آخرین لحظات عمر خویش، به یاری و نصرت حسین علیه السلام وصیت می‌کرد.



در بحار الأنوار آمده است: «... بر زمین افتاد؛ در حالی که هنوز

اخلاق متعالی و خشوع و وقار و محاسن کریمه اخلاقی بوده، که من نیز به شخصیت و الایش غبطه می‌خوردم. او در زمینه فقه بسیار اهتمام می‌ورزید و در مدرسه انصار امام مهدی علیه السلام، استاد فقه و احکام شرعی بود. هرگز موضع دلیرانه و جاودان او، در روز شهادتش را فراموش نمی‌کنیم، برخی از برادران نقل می‌کردند هنگامی که با شلیک گلوله خیانت و نیرنگ، به شدت زخمی شد، برخی از انصار به‌سوی او شتافتند و خواستند او را برای مداوا بلند کنند؛ در حالی که واپسین لحظات عمر را سپری می‌کرد و با نفس‌های به شماره افتاده خود به آنان خطاب کرد: «مرا رها کنید، ولی احمدالحسن را هرگز رها نکنید، شما را به احمدالحسن سفارش می‌کنم، او حق است؛ پس در یاری‌اش کوتاهی نکنید».

سید احمدالحسن علیه السلام همواره انصار را تشویق و ترغیب می‌فرمودند به تدبر و تفکر عمیق در خصوص عهدنامه ماندگاری که امیرالمؤمنین علیه السلام برای مالک اشتر نگاشتند در زمان حکمرانی‌اش بر مصر و نیز ایشان علیه السلام به نگاشتن و تحقیق درباره این عهدنامه بزرگ که حاوی دستورات الهی برای تمام بشریت بوده و دربردارنده نکات اخلاقی و پند و اندرزهاست که از دروازه شهر علم، علی بن ابی‌طالب علیه السلام خارج شده است و از جمله کسانی که پاسخ‌گوی این حکمت متعالی بوده، شهید رستگار، شیخ انمار حمزه المهدی (ره) است. این بحث، هرچند اندک و کم حجم است؛ اما به مثابه رحمتی است که از آن قلب پاک صادر شده است. آری قلب شهید رستگار، انمار المهدی (ره) است که صاحب

سید احمد الحسن علیه السلام:

هر انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خدای سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد، چه زن! پاسخ‌های روشنگرانه، جلد ۶، پرسش ۵۳۶

خداوند مسئلت می داریم که صبر بر فراقشان را روزی ما قرار دهد و در روزی که نه مال سود می بخشد و نه فرزندان، جز آن کس که با قلب تسلیم شده، به سوی خداوند آمده باشد، شفاعتشان را روزی ما فرماید و ما را بر مرکب یقین حقیقی سوار کرده و به آنان ملحق سازد.



کتاب پاره هایی از عهد ماندگار،
شیخ شهید انمارالمهدی، مقدمه
شیخ ناظم عقیلی حفظه الله
ادامه دارد...

۱. احزاب، ۲۳.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰.

ناگوار است ای مسلم، تو را به بهشت بشارت می دهیم. پس مسلم با صدایی ضعیف بدو گفت: خداوند تو را بشارت خیر دهد. حیب گفت: اگر می دانستم که به دنبال شما رهسپار نیستم، دوست داشتم مرا به آنچه برایم اهمیّت دارد، وصیّت کنی. پس مسلم گفت: تو را به این وصیّت می کنم - و به حسین علیه السلام اشاره کرد - در رکاب او بجنگ تا مرگ تو را در یابد. حیب گفت: به روی چشم. سپس خدایش از او خشنود باد، وفات یافت. [۲] پس سلام بر او و بهشت و همسایگی با محمد و آل محمد علیهم السلام گوارای وجودش باد. و سلام بر تمام شهیدان رستگار و سعادتمند، کسانی که نصرت و یاری حق را در بهترین شکل ممکن، مجسم کردند. در حالی که آن فداکاری ها و ایثار عظیم را بدون هراس از زیادی تجهیزات و تعداد لشکر منافق بنی عباس، تقدیم کردند.

پس حمد و سپاس بر بلایش و بزرگی نعمت هایش، و از

رمقی در بدن او بود، حسین علیه السلام به سوی او شتافت و همراه ایشان حیب بن مظاهر نیز بود؛ پس حسین علیه السلام بدو فرمود: خداوند تو را رحمت کند ای مسلم «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» [۱] «از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آن ها در انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند».

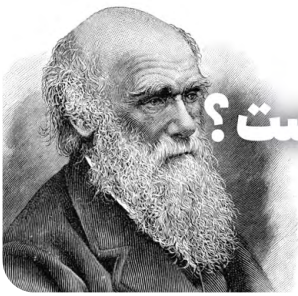


سپس حیب نزدیک او آمد و بدو گفت: جدایی از تو برایم

سید احمد الحسن علیه السلام:

صبر و مدارا دو عاملی است که برای ایمان آوردن کسانی که دعوت می شوند، لازم است. روشنگری از دعوت های فرستادگان، ج ۱، ص ۱۱





آیا فهم بن باز در خصوص تکامل درست است؟

الْإِنْسَانَ مِنْ سُلالَةٍ مِّن طِينٍ» [مؤمنون، ۱۲]
(هر آینه ما انسان را از گل خالص آفریدیم)،
معتقد است خداوند حضرت آدم علیه الصلاة
والسلام که انسان آراسته و عاقل است را از
خاک خلق کرده است، او را به صورت خود و
به طول شصت ذراع آفرید؛ یعنی شصت ذراع در
آسمان؛ سپس این آفرینش تا الان رو به کاستی
گذاشته است... فرزندان او نیز به صورت
خلقت پدرشان آفریده شده‌اند، گوش و چشم
و عقل دارند و قامتی دارند که اکنون مشاهده
می‌کنید، بر پاهای خود راه می‌روند، سخن
می‌گویند، می‌شنوند، می‌بینند و با دست
خود غذا می‌خورند.

یکی از دانشمندانی که نظریه تکامل را مطرح
کرد، چارلز داروین است. در این نوشتار
نویسنده می‌کوشد نخست نظریه داروین را در
حوزه تکامل بیان کند و سپس دیدگاه بن باز،
یکی از علمای وهابیت سلفی را در بوته نقد و
بررسی قرار دهد. نویسنده در راستای تحقق این
هدف، آرای سید احمد الحسن «وصی و فرستاده
امام مهدی (علیه السلام)» را بر نقد دیدگاه بن باز مطرح
می‌کند.

داروین در خصوص تکامل معتقد است:
انواع یا گونه‌های موجودات در طول زمان
یکسان و ثابت نمانده‌اند؛ بلکه دستخوش
تغییر و تحول شده و متناسب با شرایط، تطور
یافته‌اند.

نظریه بن باز در رابطه با تکامل انسان

بر اساس آیات قرآن؛

عبدالعزیز بن باز، یکی از علمای وهابیت و
به‌عنوان بزرگ‌ترین مفتی سلفی در دوران معاصر
است، وی مرجع علماء بود و هرگاه برای علماء
مشکلات علمی پیش می‌آمد جهت حل آن
به او رجوع می‌کردند. حال به نظر ایشان در
خصوص تکامل می‌پردازیم.

بن باز با استناد به آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا



او معتقد است هر امتی تکوین خاصی دارند
که شایسته آن هستند، میمون‌ها امتی مستقل

سید احمد الحسن (علیه السلام):

القای شیطان با وسوسه در قلب یا با نشان دادن چیزی خبیث در بیداری یا خواب

صورت می‌پذیرد. متشابهات، جلد ۲، پرسش ۴۲

میمون است و اصل آدم همان اصل فعلی اوست و اصل او، میمون و غیر آن نبوده؛ بلکه انسانی است آراسته با آفرینش خودش... او عقل، گوش و چشم دارد و از حواس معروف بویایی، لامسه و چشایی و دیگر چیزهایی که خدا در وی نهاده، بهره مند است. بنابراین، این سخن که اصل آدمی میمون است، کلامی باطل است و چه بسا اگر گوینده آن را کافر بشماریم، درست و معتبر باشد. ظاهر این است کسی که چنین اعتقادی داشته باشد؛ در حالی که از آنچه شارع آورده مطلع باشد، کافر خواهد بود و خدا داناتر است؛ چراکه او به خدا - سبحان و متعال - و رسولش و کتاب خدا دروغ بسته است.»



نقد نظریه بن باز با توجه به آرای سید احمد الحسن

سید احمد الحسن در خصوص نظرات بن باز این چنین بیان می کند که بن باز همانند بسیاری از شیوخ وهابیت سلفی، متأسفانه در حالی که هنوز در ابتدایی ترین مرحله توانایی درک و فهم قرار دارد، موضوع علمی ثابت شده با دلایل علمی را با یک متن دینی متشابه رد می کند که چه بسا می تواند تأیید کننده آن علم باشد.

هستند، خوک ها امتی مستقل هستند و همین طور سگ ها و الاغ ها و گربه ها و غیره نیز هریک امتی هستند: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ» [انعام، ۳۸] (هیچ جنبنده ای روی زمین نیست و هیچ پرنده ای با بال های خود در هوا نمی پرد؛ مگر آنکه چون شما امت هایی هستند. ما در این کتاب هیچ چیزی را فروگذار نکرده ایم و سپس همه را در نزد پروردگارشان گرد آورده می شوند).

همه این امت ها به سوی خدا محشور می شوند و روز قیامت گرد می آیند. برخی از برخی دیگر قصاص می شوند؛ سپس به آن ها گفته می شود: خاک شوید، و خاک می شوند؛ به جز جن و انسان که آن ها را منزلت دیگری است: محاسبه می شوند و بر اساس کرده هایشان جزا داده می شوند. هرکس از پروردگارش اطاعت کرده باشد به بهشت، و هرکس به پروردگارش کفر ورزیده باشد، به جهنم می رود. اما دیگر حیوانات، امت های مستقلی هستند.

میمون ها امت مستقلی هستند که حقیقت، خاستگاه و ویژگی های خاص خود را دارند. همین طور خوک ها، سگ ها، الاغ ها، شترها، گاو ها، گوسفند ها. این امت ها خلقت و خصوصیات خود را دارند که خداوند سبحان آن ها را این گونه آفریده و او حکیم و عالم است، و به حقیقت امور بیناتر... و او - سبحان و متعال - به حقیقت تکوین آن ها بصیرتر و داناتر است. پس بنده باید ایمان داشته باشد که خلقت آدم متفاوت با خلقت گونه های دیگر از جمله

سید احمد الحسن (علیه السلام):

طلب از خداوند با صلوات بر محمد (ص)، در واقع بالا بردن شأن و مقام محمد

نزد مردم خواهد بود. متشابهات، جلد ۳، پرسش ۱۱۶

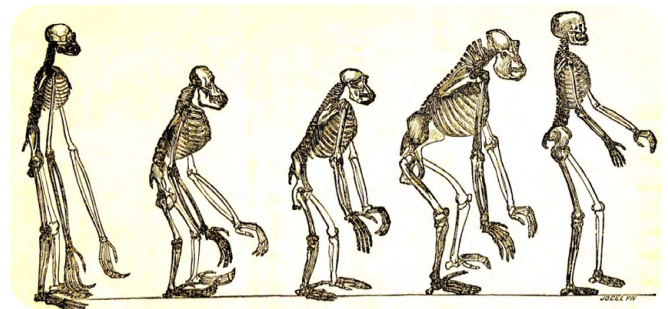
که خود این میمون‌ها در گذشته به انسان تکامل یافته‌اند؛ در حالی که بین انسان و میمون امروزی از میلیون‌ها سال پیش جدایی رخ داده است. یعنی میمون‌ها و انسان‌های امروزی به اصل و نیای مشترکی می‌رسند؛ ولی در شاخه‌های مختلفی از این نیا قرار می‌گیرند. بنابراین تصور اینکه موجودی از میمون امروزی به انسان تکامل یافته باشد؛ از لحاظ علمی غیرممکن است؛ زیرا اصولاً میمون طی میلیون‌ها سال مسیر تکامل خاص خودش را پیموده است که با مسیر تکاملی انسان متفاوت است.

نتیجه گیری

آنچه مشخص است، نادانی یا اشتباه در فهم تکامل، باعث شده است که فقهای دینی با وجود دلایل زیاد، همچنان دست به انکار تئوری تکامل بزنند و آیات ذکر شده که بیان می‌دارد خدا انسان را از گل و از خاک آفرید، نیز مؤید نظریه تکامل است؛ چراکه انسان هدف نهایی از آفرینش است که مطلوب، رسیدن به آن بوده است.

هرچند بن‌باز نظریه تکامل را رد می‌کند؛ ولی خود وی بازمی‌گردد و آن را از جایی که نمی‌داند ثابت می‌کند.

درباره انسان می‌گوید: «او از این خاک خلق شده است. خدا وی را به صورت خود و به طول شصت ذراع آفرید؛ یعنی شصت ذراع در آسمان؛ سپس این آفرینش تا الان رو به کاستی گذاشته است». صرف نظر از اینکه این کلام ناشی از جهل و نادانی بوده و کاملاً نادرست است؛ ولی آنچه اینجا برای من مهم است، این بخش از سخن بن‌باز است که می‌گوید: «قد انسان از شصت ذراع به مقدار کنونی تغییر یافته است». او اینجا نظریه تکامل را تأیید کرده است؛ چراکه تغییر حجم جسم طبق قوانین تکامل روی می‌دهد. من تکرار می‌کنم، سخن وی که «طول انسان شصت ذراع بوده است» باطل و نادرست است. همان طور این سخنش که «جسم انسان به صورت خدا آفریده شده است» تجسمی است نادرست و هرکس چنین دیدگاهی داشته باشد، دارای رأی و عقیده منحرفی است.



و به گفته سید احمد الحسن آنان گمان می‌کنند

منابع:

- قرآن

- سایت رسمی عبدالعزیز بن عبدالله بن‌باز، فتاوی و مقالات شیخ بن‌باز، نظریه داروین، تکامل میمون به انسان، شماره ۱۷۸۰۰، دسترسی در: <http://www.binbaz.org.sa/mat/17800>

- سید احمد الحسن، توهم بی‌خدایی، صفحه ۴۰، سال ۲۰۱۳، چاپ و نشر و توزیع، نجمة الصباح.

سید احمد الحسن رحمته الله علیه:

عبد برای اینکه بنده‌ای مخلص باشد و تا آخرین لحظه عمرش برای خداوند باشد محتاج مدد و یاری و کمک و توفیق الهی است. گزیده‌ای از تفسیر سورة فاتحه،

اسرار موجود در روایات ظهور

می‌شود، آن را باور نکرده و از آن بی‌زاری می‌جوید و آن را انکار می‌کند و آن کس را که به آن عمل کند، کافر می‌خواند؛ در حالی که نمی‌داند شاید این حدیث از ما صادر شده باشد و به ما برگردد پس به سبب این عملش از ولایت ما خارج می‌شود.» [۱]

احادیث اهل بیت (ع) به ویژه

خرج و إلینا أسند فیکون بذلک خارجاً عن ولایتنا» «به خدا سوگند که عزیزترین اصحاب نزد من، پرهیزکارترین آن‌ها و فقیه‌ترین و رازدارترین آنان نسبت به احادیث ما هستند و بدترین آنان نزد من کسانی هستند که هرگاه حدیثی بشنوند که به ما نسبت داده می‌شود و از ما روایت

روایات بسیاری از اهل بیت (ع) ذکر شده که دال بر سخت و سنگین بودن کلام ایشان است و کسی آن را تحمل نکرده و نمی‌پذیرد؛ مگر شیعه حقیقی ایشان؛ اما کسی که صاحب خبث طینت بوده و در قلب خود با آل محمد (ع) دشمنی می‌کند، او را می‌بینی که کلامشان بر او بسیار سنگینی کرده و قلبش از پذیرفتن آن امتناع ورزیده و آن را انکار می‌کند؛ بلکه برخی از آن‌ها به صراحت می‌گویند که این کفر است. لذا کسانی که آل محمد (ع) را انکار کرده و قلب‌هایشان کلام آل محمد را خوش نمی‌دارند، آنان دشمنان آل محمد در عالم ذر هستند؛ هرچند ادعای محبت و موالات ایشان (ع) را داشته باشند.

و امام باقر (ع) فرمودند: «والله إن أحب أصحابي إليّ أوعهم وأفقههم وأکتمهم لحديثنا وإن أسوأهم عندي حالاً وأمقتهم الذي إذا سمع الحديث ينسب إلینا ویروی عنا فلم یعقله اشمأز منه وجحدہ وکفر من دان به وهو لا یدري لعل الحديث من عندنا



سید احمد الحسن علیّه السلام :

خداوندا حرکت کردن مرا سراسر عبرت گرفتن و سکوت را تفکر و کلام را ذکر گفتن قرار ده. خطبه حج

روایات و خطبه‌های پراکنده از هم تجزیه کردند و رموز، نشانه‌ها و نام شهرها و رویدادها و حوادثی که ارتباطی تنگاتنگ با حرکت ظهور دارند، وضع کردند؛ همچنین از طریق بیان متون و شناخت مفاهیم و ارتباط آن‌ها با مصادیق و نیز از خلال جمع این روایات و خطبه‌ها با حوادث و رویدادها، تصویر واضحی را ترسیم کردند از آنچه در عصر ظهور اتفاق می‌افتد؛ به همین سبب به‌زودی این مفاهیم و رموز و حوادث را به طریقه ربط‌دادن مفاهیم روایت با مصادیق حقیقی از یک جهت و ارتباطشان با حوادث جاری را از جهت دیگر بررسی خواهیم کرد و از خداوند یاری می‌طلبیم. ادامه دارد...

سفیانی به آستانه درب‌ها رسیده پس یمانی کجاست؟ ص ۲۶.

پرچم) است و برای دیگران پرچم‌هاست. پس در جای خود ثابت باش و از هیچ‌کس ابداً پیروی نکن تا مردی را از فرزندان حسین(ع) بینی که با او وصیت رسول خدا و پرچم او و سلاح او باشد؛ چراکه عهد رسول‌الله(ص) نزد علی بن الحسین بود؛ سپس نزد محمد بن علی قرار گرفت و خداوند هرچه خواهد انجام دهد؛ پس همواره ملازم و همراه اینان باش و از آنچه برایت ذکر کردم بر حذر باش.» [۲]



آن بخش از روایات مربوط به عصر ظهور به طور اجمالی، دارای معنای رمزگونه هستند و حمل اغلب آن‌ها بر اساس ظاهرشان جایز نیست. و دلیل آن بسیار ساده است، یک فرمانده و رهبر زیرک زمانی می‌تواند بر دشمن خود پیروز و غالب شود که از جهتی او را درگیر نقشه خود می‌کند و از جهت دیگر، جزئیات امور همچون زمان حرکت، محل حرکت و... را بر او مخفی می‌کند تا هیچ فرصتی را برای دستیابی دشمن به حرکت و آگاهی از اسرار و رموز خود، باقی نگذارد.

و با وجود این، اهل‌بیت(ع) هرگز ما را رها نکرده‌اند بدون نشانه‌ها و علامات‌ی که بتوان با آن‌ها استدلال کرد در شناخت پرچم حق و هدایت مربوط به ایشان(ع) از میان پرچم‌های گمراهی و از جمله آن‌ها پرچم سفیانی.

امام باقر(ع) فرمود: «**بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می‌دهند. که همانا برای آل محمد و علی(ع) پرچمی (یک**

و اهل‌بیت(ع) این امر را از طریق ترسیم تصویری واضح و کامل برای عصر ظهور آشکار کردند و این تصویر را در قالب

۱. بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۷۶.
۲. الزام الناصب، ص ۲۹۶.

سید احمد الحسن علیّه السلام :



به خدا سوگند ای مؤمنان، شما بر هوای نفس و تکبر و غرور (منیت) و شیطان و دنیا و زیورات آن پیروز شدید. مبادا جزع و شکوه و ترک صبر کنید.... خطبه مؤحده

سوی خدا می خواند



به کسی نامه نوشتم جگر م سوخت بسی
 اینک از آل علی (ع) آمده فریاد سی
 به تمخرز سر غفلت و نادانی خویش
 این چنین داد جوابم ز چه نامد زین پیش
 ماعلی را نشاسیم تو گویی مهدی؟
 ما خدا را نپذیریم تو گویی که وصی؟
 راز دل را به دلم گفت: شده سیر ز دین
 زین همه قبله رنگین و سراسر از کین
 گفت ای نامه رسان هیچ عدالت دیدی؟
 تو ز دنیا و ز اهلش جز خباثت دیدی؟
 دین کجا بود ز اسلام نشانی دیدی؟
 یا به جز خط و کلامی تو ز قرآن دیدی؟
 گفتمش صبر کن ای مرد ز پا افتاده
 که به درد تو طیب آمده اما ساده
 آمده تا که زمین را پر از عدل کند
 خالی از جور و ستم پاک ز هر رذل کند
 او همان منجی دنیاست عدالت بر دوش
 آمده تا که کند ظلم و ستم را خاموش
 گر که خواهی شوی از بند ستم ما آزاد
 باید از دل تو کنی یاد خدا را فریاد
 پرچمش پرچم حق است خدامی داند
 او فقط روی زمین سوی خدامی خواند

او فقط روی زمین سوی خدامی خواند

پرچمش پرچم حق است خدامی داند



پرسشی از اهل سنت

آیا رسول خدا محمد ﷺ وصیت کرد یا خیر؟

شکی نیست که رسول خدا ﷺ پیشوا و مثل اعلی است؛ پس چیزی نمی‌گوید مگر اینکه به آن عمل کند.

آیات و روایات زیادی از رسول خدا ﷺ در خصوص وجوب وصیت شنیده‌ایم؛ از جمله اینکه هرکس بمیرد در حالی که وصیت نکرده، مرگش مرگ جاهلیت است و عمل یا کار خود را با معصیت خاتمه داده است.

آیا عاقلانه است که حضرت محمد ﷺ از دنیا برود در حالی که وصیت نکرده است؟

و آیا عاقلانه است که خداوند بر پدر خانواده، وصیت به خانواده و ماترک و دیونش را واجب کند؛ اما بر رسول خود ﷺ وصیت برای این امت اسلامی را که خاتم ملت‌هاست واجب نکند تا اختلاف و تبعیضی که باعث کشت و کشتار بین گروه‌های اسلامی است، رفع شود؟! و ابن شهر آشوب در خصوص این موضوع چنین گفته است:

(قطعاً امام علی علیه السلام، وصی و ولی رسول خداست. جایز نیست

که رسول الله ﷺ بدون وصی از دنیا برود به دلیل این سخن خداوند متعال: «كَتَبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ...» (نوشته شده بر شما هنگامی که زمان وفاتتان رسید، اگر نیکی به جا گذاشته اید، وصیت کنید...)

و همین طور به سبب این سخن رسول الله ﷺ که فرمود:

هرکسی بدون وصیت بمیرد، مرگ او مرگ جاهلیت است.

و به واسطه این سخن خداوند متعال: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ...» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟...)

و به این دلیل که همه انبیاء از دنیا رفتند در حالی که وصیت کرده بودند. و نیز خداوند متعال فرمود: «فَبَهْدِيْهِمْ اِقْتَدِهْ» به (رفتار و) هدایت انبیا اقتدا کن).

مناقب آل ابی طالب: ج ۲، ص ۲۴۶. و وصیت رسول خدا ﷺ را انکار نکردند؛ مگر ابناء عامه (اهل سنت)، که مدعی شدند رسول خدا ﷺ مرد و برای احدی وصیت نکرد و کسی را به عنوان

جایگزین بر امت تعیین نکرد و امت را بدون صاحب و سرگردان رها کرد و بر امت واجب است که با انتخابات (شورا) برای خود قیّم انتخاب کنند...

و برای تحقیق، حتی اگر نگاهی گذرا بر سیره رسول خدا ﷺ ببندازیم، ضعف دلیل ابناء عامه (اهل سنت) مشخص می‌شود. و مشخص می‌شود که رسول خدا محمد ﷺ قطعاً وصیت کرده‌اند و ممکن نیست که امت را ترک کنند بدون وصی‌ای که مصالح آن‌ها را بشناسد و آن‌ها را به سمت نجات در دنیا و آخرت رهبری کند.



و احادیثی که تأکید و تصریح دارند که رسول خدا ﷺ برای خود جانشین تعیین کرده‌اند بسیار زیاد است تا جایی که

سید احمد الحسن علیه السلام:

صبر کلید گشایش و پیروزی است و آن گشایشان است؛ در گذشته صبر کردید و صبر شما امروز سزاوارتر و واجب‌تر است. خطبه مؤحده



بوده و به چه کسی وصیت کرده است؟!

که با توجه به اینکه ابناء عامه (اهل سنت) می گویند رسول خدا (ص) وصیت نکرده است؛ پس برای آن ها فقط دو احتمال اول و دوم باقی می ماند و در هر حال آن ها شکست خورده هستند و امکان اقامه برهان برای آن ها وجود ندارد و صحبتی برای آن ها نمی ماند و حق این است که رسول خدا ﷺ قبل از وفات و در شب وفاتشان به علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، وصیت کرده و او را به عنوان خلیفه امت بعد از خود نصب فرمودند.



شیخ ناظم عقیلی، کتاب «وصیت و وصی احمد الحسن»، ص ۳۴.

را معین نکرده اند، و ابوبکر و عمر به تصحیح این خطا پرداخته و نوشتن وصیت را شرعیت بخشیدند، و این احتمال را کسی نمی گوید؛ مگر اینکه کافر زندیق باشد.

ب- اما اگر رسول خدا ﷺ طبق فرض خلیفه ای برای امت معین نکردند و در این رفتارشان درست عمل کردند و خطا نکردند، پس بر ابوبکر و عمر هم واجب بود که به رسول خدا ﷺ اقتدا کنند، و بعد از وفات خود به کسی وصیت نکنند؛ در حالی که آن دو وصیت کردند؛ پس با این کارشان با رسول خدا ﷺ مخالفت کرده و سنت ایشان را تغییر داده اند، و چطور امکان دارد کسی که مخالف رسول خدا ﷺ عمل و معصیت کرده است امام امت رسول الله ﷺ و قیم بر آن ها باشد؟!

ج- اما اگر رسول خدا ﷺ وصیت کرده و برای امت خود جانشین تعیین فرمودند و ابوبکر و عمر به رسول الله ﷺ اقتدا کرده و از ایشان پیروی کردند و به همین جهت در هنگام مرگشان وصیت کردند، که البته این احتمال جالبی است و بهتر از دو احتمال قبلی است و لکن وصیت رسول خدا (ص) چه

امکان آوردن آن ها در این بحث وجود ندارد.

احادیثی که از طریق شیعه و سنی نقل شده است؛ از جمله حدیث مشهور (غدیر).

و هرکس بخواهد در این موضوع بیشتر مطالعه کند به کتاب المراجعات، نوشته سید عبدالحسین شرف الدین و نوشته های محمدالتیجانی در این خصوص مراجعه کند.

همچنین می خواهم به اختصار به این مسئله مهم تأکید کنم که اگر رسول خدا محمد ﷺ از دنیا رفت در حالی که وصیتی نکرد و جانشینی را برای امت خود انتخاب نکرد، پس حتماً این سنتی خواهد شد که باید به آن اقتدا و بر اساس آن حرکت کرد؛ در حالی که می بینیم اولین کسی که با این سنتی که فرض خودشان است، مخالفت کرده، ابوبکر و عمر بودند؛ زیرا ابوبکر هنگامی که مرگ به سراغش آمد به خلافت عمر وصیت کرد و همین طور عمر راه را برای شخص بعد از خود روشن کرد.

در اینجا سه احتمال وجود دارد:

الف- اگر بگوییم رسول خدا خطا کرده اند (حاشاه) چون وصیت نکرده و خلیفه بعد از خود

سید احمد الحسن (علیه السلام):

و قرآن شعار و پوشستان نماز و دعایان به وسیله ولی خدا معراج شما به سوی خدا باشد. بیانیه نصیحتی به انصار

مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوست داران اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.